

گامهایی در راه الفبا خواهیم برداشت .

احمد کسروی

(این متن از پرچم های روزانه برگرفته شده است)

بی گفتگوست که باید الفبای ما دیگر گردد . در این باره پنجاه سال است سخن میرود و اکنون باید بکار بسته شود و شایسته ترین دسته ایم که آنرا بکار بندیم . اگر امروز ما این بکارنبدیم یا همچنان میماند و بجایی نمیرسد و یا بدست کسان نا شایستی میافتد که یک چیز ناقص درست کرده بدستها دهند .

ما دوست میداشتیم خودمان یک الفبای بهتر و درست تری بسازیم و بکار بریم که چون رواج گرفت اروپاییان آنرا از ما گیرند ولی برای چنین کار کسی را میخواستیم که جریزه نقاشی داشته با یک بینشی باین کار پردازد و یک الفبای بسامانتر و بهتری بسازد لیکن چنین کسی را نیافتیم و از آنسوی آگاه شدیم که (ماتریس) تهیه کردن برای چنین الفبایی نیاز بهنرمندان اروپایی دارد و در ایران وسایل آن آماده نیست و این ما را ناگزیر میکرد که چند سال دیگر منتظر باشیم . از اینرو از آن چشم پوشیدیم و بهتر دانستیم که بهمان الفبای لاتین که دیگران نیز اقتباس کردند قانع باشیم اینست میخواستیم در این نشست در پیرامون آن گفتگو کنیم :

باید دانست ما در فارسی بیست و دو حرف و هشت آوازه (حرکه) بکار میبریم بدینسان :

ب پ ت ج چ خ د ر ز ژ س ش غ ف ک گ ل م ن ه و ی

شاید کسانی ایراد خواهند گرفت که چرا الف یا همزه را نشمریم باید گفت الف یا همزه حرف نیست بلکه آوازه یا (حرکه) است و ما از آن در میان آوازهها سخن خواهیم راند . شایدخواهند گفت چرا ذال را نشمریم . میگوییم امروز در فارسی ذال نمانده ، اگر دو سه کلمه هست ما همه را (زاء) میگوییم این باید با زاء هم بنویسیم آذربایجان یا آذربایجان در گفتن تفاوتی ندارد بهر حال هیچ نیازی دیده نمیشود . برخی هم (غین) را ایراد گرفته میگویند نیازی بآن نیست زیرا (گاف) را بجای آن بیاوریم ولی باید گفت میان غین با گ تفاوت آشکاری هست بهر حال ، در کلمه های باغ ، مرغ ، مرغزار ، نغز ، مغز ، و مانند اینها بغین نیازمندیم .

کسانی در باره حرفهای عربی خواهند پرسید . میگوییم در زبان ساده نیازی بآنها نداریم زیرا ما تا بتوانیم کلمه های عربی را از زبان کم خواهیم گردانید . از آنسوی این حرفها در فارسی تغییر یافته تفاوتی میان آنها با حرفهای فارسی نمیماند .

مثلا تفاوتی میانه (ح) و (ه) و یا در میان (ص) و (س) گزارده نمیشود .

ولی در جاهای دیگر بآنها نیاز خواهیم داشت . مثلا اگر خواستیم در یک جایی یک جمله عربی را بیاوریم با این حرفها نخواهیم توانست . اینست باید از آنها در جای دیگر سخن رانیم .

این بیست و دو حرف که در فارسی هست در لاتین در برابر آنها بیش از بیست حرف نیست و اینک من در جدولی حرفهای فارسی را با حرفهای لاتین که در برابر هر یک از آنها توان گذاشت نشان میدهم و شما خواهید دید که دو حرف کم داریم :

ب پ ت ج چ خ د ر ز ژ س ش غ ف ک گ ل م ن ه و ی
Y V H N M L G K F Q _ S J Z R D X - C T P B

چنانکه می بینید در برابر چ و ش حرفی از لاتین نداریم .

کنون باید دید برای این دو حرف چ و ش که کم داریم چه باید بکنیم ؟ پیداست که باید یکی از سه راه را برگزینیم :

۱- حرفی از خود بسازیم و بجای آنها گزاریم یا از الفبای دیگری از روسی و ارمنی و گرجی و مانند ابینها دو حرفی را برداریم و بجای چ و ش بکار بریم .

۲- چنان که در انگلیسی و فرانسه و آلمانی کرده اند با ترکیب دو حرف اینها را بفهمانیم (مثلا چ را H C و ش را SH بنویسیم) .

۳- چنان که در ترکیه و قفقاز و در زبان اسپرانتو کرده اند با افزودن یک علامتی جای این دو حرف را پر کنیم (مثلا C را با یک علامتی در زیر یا در بالا برای چ و S را با یک علامتی برای ش برگزینیم) .

از این سه کار کدام یکی بهتر است ؟ ... آنچه من میدانم راه یکم سختیهایی دارد زیرا اگر حرفهایی از خودمان بسازیم نیاز به ماتریسی خواهیم داشت که دانسته نیست در اینجا بدست آید و یا نیاید . اگر دو حرف از روسی یا ارمنی برداریم شاید با لاتین سازش نخواهد داشت گذشته از اینها الفبایمان با لاتین دوری بیشتر پیدا کرده و ماشینهای نوشتن خاصی برای خود لازم خواهیم داشت .

راه دوم گذشته از آنکه کلمه هارا درازتر خواهد گردانید در برخی جاها مایه اشتباه خواهد بود مثلا اگر شما (گیشا GISHA) بنویسید کسانی آنرا (گیشا) خواهند خوانند و جز با قرینه نخواهد دانست که (گیشا) مقصود است .

راه سوم از همه بهتر و آسانتر بنظر میآید و این راهیست که دیگران پذیرفته اند . من اینها را میگویم که نیک بیندیشید و هر کسی نظر خود را بگوید . آنکه گفته اند از بحث و گفتگو حقیقت روشن میگردد در اینگونه جاهاست . در برگرداندن الفبا باید بسیار چیزها را در نظر گرفت و چه بسا نکته هایی که باندیشه یکی نرسد و دیگری آنرا در یابد و بگوید . این کاری است که امروز ما میخواهیم بکنیم و قرنها پایدار خواهد بود و اینست ما هر چه بیشتر بیندیشیم و دقت کنیم الفبای بهتری خواهیم داشت .

برخی از همسایه های ما الفباشان را تغییر داده اند و من در برخی از آنها نواقصی مییابم اینست میخواهم دقت بیشتری کنیم تا دیگران هم روزی ننشینند و بگویند فلان مردم الفباشان را دیگر گردانیدند ولی نواقصی دارد .

ما باید از یکسو روشنی الفبا و اشتباه برنداری حرفها را در نظر بگیریم و از یکسو بکوتاهی کلمه ها مقید باشیم همچنین آسانی نوشتن را از اندیشه دور نداریم همه اینها را بدیده گیرید و بیندیشید که برای آن دو حرفی که داریم چه باید کرد ؟ .

اما آواها (حرکت) ، ما در فارسی هشت آوازه داریم و اینک هشت کلمه می‌شماریم که حرف نخست هر یکی با آواز دیگری می‌آید : بار، درخت ، دیر ، پل ، پول ، پی ، جو .
درحالی‌که در الفبای لاتین پنج آواز بیشتر نداریم که اینهاست :

A I U E O

پس در اینجا هم سه آواز بی پاسخده است و در اینجا نیازمندیم که بیکی از سه راه پایین بچاره کار پردازیم :

- ۱- سه حرفی از خود بسازیم یا از الفبای دیگری جز از لاتین برداریم .
 - ۲- چنانکه در زبانهای انگلیسی و فرانسه است با ترکیب دو حرف این آواها را بفهمانیم .
 - ۳- با گزاردن نشانی در بالا یا در پایین چاره کنیم .
- در اینجا هم من راه سوم را بهتر می‌شمارم و بر آنم که از این راه بکار پردازیم . چگونگی آنکه حرفهای O , E را جز در آواهای شناخته خود را نیاوریم مثلا بنوسیم COV ; PEY اما آن شش صدای دیگر باید دانست که هر دوتای آنها یکیست چیزی که هست در درشتی و باریکی تفاوت دارند « بر » که می‌گوییم اگر آنرا اندکی درشتتر گوئیم « بار » خواهد شد . همچنین است در درخت و دیر و پل و پول :
- اینست ما میتوانیم هر یکی از حرفهای سه گانه A I E را در دو آواز بیاوریم و برای جدایی در یکی از آنها یک نشانی در بالا یا پایین بیفزاییم - تنها گفتگو در آن خواهد بود که آیا حرفها را بی نشانه در آواهای درشت آورده و در باریکها نشانه افزایش یا بعکس آن کنیم . در اینجا هم بگمان من باید ببینیم کدام یکی بیشتر نیاز داریم آنرا بی نشانه گردانیم و گویا با آواهای درشت بیشتر نیازمند باشیم .